

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند!

شماره صد و بیستم

پانزدهم مهر ۱۳۵۲

ششم



فرخنده باد نیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

رفقای عزیز!
کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود

مردم

از کمان مرکزی حزب توده ایران

قیامت، دعاوی شاه و تبلیغات رژیم

اخیراً گروه بررسی مسائل ایران در پرتو شاه و ملت، مرکب از ۲۲۸ دانشگامی از بخش خصوصی ۱۲۰ نفر از بخش دولتی گامهای قضائی ۱۲ تن نماینده مجلس شورا ن نماینده سنا گزارش در باره مشکلات شهر انتشار داده است. این گزارش که در روزنامه اطلاعات و «کیهان» انتشار یافته روزنامه ملت، آذرا، محققانه و مستند، ارزیابی کرده بررسی گروهی است که بنوشته روزنامه کیهان م آنرا هیئت های علمی دانشگاهها و مدارس تکمیل میدهند و مورد تأیید و ارزیابی مثبت منتسب بوزیر هستند. ولی با تمام این احوال بیوان کرد که دعاوی شاهنشاه و تبلیغات پر تن رژیم را تکذیب میکند.

مداد و کاغذ و کتاب نسبت به همین چند سال پیش دو برابر و سه برابر گرانتر شده است. برای اجاره یک اطاق ۳۰۰ تومان مطالبه میشود. اجاره بهای یک آپارتمان مدرن ۲ تا سه ماهه ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است. بهای یک نان سنگک ۱۶۰ تا ۷ ریال، گوشت آذر پیدا شود کیلویی ۲۸۰ ریال، شکر کیلویی ۳۲ ریال، قند کیلویی ۲۷ ریال و برنج کیلویی ۷۵ تا ۹۰ ریال است. و بنا بنوشته روزنامه کیهان برای یک دفتر چه ۲۰ برگی ۶ ریال و برای یک دکمه معمولی باید ۳۰ ریال پول پرداخت روشن است که در این گرانی سرسام آور حتی خانوادهای که ۲۰۰۰ تومان درآمد دارد، باز فرصتیه و تنگناست، تا چه رسد به خانواده هایی که با درآمد ماهیانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان باید زندگی کنند و البته به زندگی، بلکه از برکت انقلاب شاهانه بتدریج نابود شوند. و اما در برابر گدازان تنگ و قیازانه ۸۸ درصد خانوارهای تهرانی تنها یک درصد با درآمد سالانه ای بیش از ۵۰۰ هزار ریال (ماهانه بیش از ۴ هزار تومان) زندگی میکنند. شک نیست که در میان این یک در خند، سیمای غارتگر هزار فانیل آگانه پنهان شده است. زیرا آنها سالانه ۵۰۰ هزار ریال، بلکه میلیونها ریال از ثروت کشور و دسترنج مردم زحمتکش را بتراچ میزنند. و درآمد های کلان آنهاست که سطح درآمد متوسط را در تهران به ۱۰۷۵ دلار رسانده است. اگر تهیه چند سیر گوشت برای دهها هزار خانوار در همین تهران ناممکن است. در عوض آنها انگور نوبرانه کیلویی صد تومان میخورند، و بنا بنوشته «دیبا جدید» زندگیشان با زندگی بزرگترین ثروتمندان دنیا برابری میکنند. هیچ چیز برای آنها گران نیست و غذایشان را با هواپیما از خارج می آورند. اینها همان کسانی هستند که در برف و یخبندان زمستان مسیر بیرونی و داماد خود را با هلیکوپتر گلیارانت میکنند و از میهمانان خود در کشتی های مجلل و لوکس پر روی اقیانوسها پذیرا میشوند. اینها همه در کشوری میگردند که دیکتاتورش مدعی است امتیازات طبقاتی را از میان برداشته و عدالت اجتماعی را بر روابط جامعه حاکم ساخته است. اما گزارش در رد این مدعا چنین میگوید: «شهر تهران متأسفانه همه دنباله در صفحه ۲»

شهری رسیده از ایران

جائی که «یک» یا «یک»

مساوی نیست

معلم های تخته داد میزد
چهره اش از خشم گلگون بود و
دستانش زیر پوششی از گرد گچ پنهان
ولی «آخر کلاسی ها» لوشک بین هم تقسیم میکردند.
یکی دیگر در این گوشه « جوانان » را ورق میزد
دلم میسوخت
بجالت او
که بیخود های و هو میکرد
با خطی خوانا بزوی تخته
(کز طلعت چو قلب ظالمان) یا چهره زندانیان
تاریک و نمگین بود
تساوی را نوشت و بانگ زد:
« اینجاست یک » یا « یک » برابر
از میان جمع شاگردان یکی بر خاست
(همیشه یک نفر باید بیا خیزد)
بآرامی سخن میگفت:
« آخر این تساوی اشتباهی فاحش و محض است.
نگاه بچه ها نا که بیکسو خیره شد با بهت
معلم مات بر جا ماند
شاگرد « فضول » آن لحظه می پرسید:
« اگر این واحد یک » فرد انسان بود
آیا بازم
در این تساوی بود یک یا یک برابر؟
سکوت مدهشی بود و
سوالی سخت
معلم « خشمگین » فریاد زد: « آری
و او
با یوز خندی گفت:
« اگر این واحد یک » فرد انسان بود
آنکو زوز نوز میداشت « والا بود » افزون بود
و آنکس را که دامن پاک و دست از زر تهی
جائی به پائین بود « کمتر بود »
اگر این واحد یک » فرد انسان بود
آنکو بویستش روشن و یامویش طلائی بود بالا بود
و آنکس را که رنگین پوست بود البته پائین بود.
اگر یک فرد انسان واحد یک بود
آنکه این تساوی زیر و رو میشد
اگر یک بود با یک ها برابر
ثروت این مفتخواران از کجای خاست؟
یا چه کس این کاخ عالی را بنا میکرد؟
یا چه کس دیوار چین میساخت؟
اگر یک بود با یک ها برابر
کی کسی در زیر بار فقر خم میشد؟
کی کسی با ضرب و چوب تازیانه خورد می گردید؟
چه کس آزادگانی را در قفس میکرد؟
معلم « ناله آسا » گفت:
« بچه ها جز جزوه بنویسید
که یک یا یک برابر نیست! »
دنباله در صفحه ۲»

تاریخ بیست و پنج ساله جمهوری دموکراتیک آلمان، تاریخ بیست و پنج سال پیکار طبقاتی آشتی ناپذیر علیه بازمانده های فلتشسم، علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است. زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان، با اجزای برپایه جامع مصوب کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان، در کلیه عرصه های ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته، «کامیابهای بزرگ» نائل آفته اند. این کامیابیها گواه صادقی است بر این واقعیت که چگونه طبقه کارگر، در اتحاد با سایر قشر های زحمتکش، تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان، پیشاهنگ آرموده ماز کیست - لنیستی خود - میفرانند امواج سخت ترین آزمون ها را، پیروز مندانه از سر بگذرانند.
دنباله در صفحه ۲»

غرفه مردم

در جشن اومانیته

(۷ - ۸ سپتامبر ۱۹۷۴)

در همسایگی غرفه های شیلی و اسپانیا، غرفه روزنامه مردم، برپاست. بلندگو اعلام میکند: بیش از ۲۰۰ نفر مبارز سیاسی طی دو سال اخیر تیر باران شده اند. در حدود ۴۰ هزار نفر سیاسی در زندانهای شاه اسیرند. ما از شرکت کنندگان در جشن میطلبیم که علیه خفگان مرگ آور رژیم استبدادی شاه اعتراض کنند و بیاری زندانیان سیاسی ایران بشتابند. زن و مرد و کودک و جوان بسوی غرفه مردم میآمدند و با علاقه فراوان ذیل نامه اعتراضیه را امضاء میکردند. از شش نشریه حزب ما بزیار فرانسه بپیژان زبانی استقبال شد. و بویزه نشریه های تحت عنوان «دیا وجود ترور خونین» خفگهای ما می رزمند. و «ایران ژاندارم خلیج فارس» بیش از همه مورد توجه قرار گرفت. اغلب بازدید کنندگان، در باره وضع کنونی ایران، جیگونگی کار سازماندهی برای مبارزه علیه رژیم ترور و سوابق حزب توده ایران سوالاتی میکردند. طرحها و عکسهای غرفه حالت گیرائی داشت که هر بازدید کننده را به اندیشه وامیداشت. قسمتی از دیوار به تصاویر رفقای شهید ما اختصاص داده شده بود. عکس انوشه در حال تیرباران شدن در وسط، دنباله در صفحه ۲»

شاه، کراراً مدعی شده است که « انقلاب او زندگی مردم را دگرگون کرده » استعمار یان برداشته و رفاه و عدالت اجتماعی بارغان است. اما گزارش گروه بعین نشان میدهد ی در هیئت شهر تهران، پایتخت کشور تیرین یوزی و برق رژیم است. گدازان مردم خند و شور و اسف بار است. بموجب این درآمد خانوادهای تهرانی بشرح زیر است: صدم مردم درآمد سالانه ای از ۷۰ تا ۸۰ هزار ارند (ماهانه ۵۸۰ تا ۶۶۰ تومان) و ۴۴ دیگر از ۸۰ هزار ریال تا ۲۴۰ هزار ریال به ۶۶۰ تومان تا ۲۰۰۰ تومان. شک نیست آمدهای کمتر از ۵۸۰ تومان در همین پایتخت است. چه بسیارند کارگرانی که دستمزد آنان از ۱۰ تا ۱۲ تومان تجاوز نمیکند. اسفند ماه گذشته بود که وزارت کار دستمزد پیشخدمت، کباب پز، حسابگر و کارگر ی را در چلو کبابها ۱۲۰ ریال تعیین نمود. درآمد ماهانه ای معادل ۳۶۰ تومان که براتاق اول اعلام شده از سوی گروه بررسی، کمتر با این وجود اگر حد اقل در آمد را در شهر همان میزان اعلام شده گروه فرض کنیم، در صد خانوار های تهرانی در آمد ماهانه ای ۵۸۰ تا ۲۰۰۰ تومان دارند، و این در آمد در است که همه چیز از نان و برنج و گوشت گرفته تا مسواک و خمیر دندان و قرقره و

نامه رفیق آوارو کونیال

دبیر کل حزب کمونیست پرتغال

به رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق گرامی، پیامی را که بمناسبت رهائی پرتغال از قید استبداد فاشیستی ارسال داشته دریافت داشتیم و از صمیم قلب سپاسگزاریم. غم دشواریهای گوناگونی که در بویار ماست جدید بوجود در پرتغال شرایط مسلحانه برای بسط انت بین نیروهای مترقی پرتغال و ایران ایجاد کند. ما مطمئیم که در این شرایط پیوند های حزب توده ایران و حزب کمونیست پرتغال برپایه

مارکسیسم - لنیسیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تقویت شده و گسترش خواهد یافت. شرایط برنج موجب شد که این نامه با تاخیر فرستاده شود. با معذرت خواهی از آن بهجین جرد های کمونیستی را بشما ابلاغ میدارم.
هفتم ثوت ۱۹۷۴
از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال
آوارو کونیال

ارتجاع بر دسایس و تاخت و تاز خود میافزاید

بیتناسب پیشرفت و نیرو گرفتن مبارزه خلق ها بخاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم، دسایس و تاخت و تاز امپریالیسم و ارتجاع علیه مبارزان راستین و پیگیر خلق بیشتر شدت میگیرد. از آغاز تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی و از آزمون که تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بارزتر شده و ضعف امپریالیسم و رژیمهای ضد ملی و ضد دموکراتیک آفریده اش بیش از پیش از پرده برف افتاده، نیروهای ارتجاع با سراسیمگی و خشم عصبی دست به واکنش وسیع در مقابل جهانی زده اند.

آنتی کمونیسم، دشمنی عنان گسسته با اتحاد شوروی، یورش دیوانه وار با حربه مغلقه و دشنام علیه احزاب کمونیستی و دموکراتیک، محتوی اساسی سیاست بورژوازی جهانی است. ارتجاع ایران که بنوبه خود، بوی خیری از اوضاع، نمی شود، با ترس و اضطراب در تقلا است که شاید مواضع لرزان خود را دیر پای تر کند و بر نیروهای مخالف خویش ضربات کوبنده تازه ای وارد سازد. سازمان ساواک بدنبال این منظور جنگ افکنده و از میان صفوف مبارزان، عناصر ضعیف، مردد، بی ایمان، حسابگر، سطحی و کوتاه بین را در میزباید تا از زبان و قلم آنها بسود دستگاه جنایت باز خود، گواهی، و دلیل، بگیرد و با پرداخت مزد و پاداش خیانت یابانان، و تحویل گلوله و لعنت به مجاهدان پایدار و پیگیر، عمر نابه یك نظام از لحاظ تاریخی محکوم را طولانی تر سازد.

مبارزه با امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم امریکا، مبارزه با ارتجاع ایران و بر رأس آن شاه مستبد، البته کار ساده ای نیست. سرنگون کردن بنساط قدرت این دیوان خون آشام که کوه سلاطین و گنج زر و سیم و خیل چاکران حلقه بگوش و چماق بر دوش در اختیار دارند وظیفه ایست هم بر افتخار و تبنگ و هم دشوار و خطرناک. چه بسا جانها که در این راه بر باد رفت و چه بسا جوانیها که در پیچ و خم این نبرد فرساینده و در سایه زندانها به بییزی رسیدند و چه بسا عمرها که میتوانست بر آسودگی و آرامش بسر رود ولی سزاش از دلقه و زنج، دردیها و تلاشها و جستجوهای پر تب و تاب گذشت. کسانی که بخاطر عشق به عدالت و حقیقت حاضرند از سر امتیازات گوناگون بگذرند و مصائب این راه بر خطر را که نبرد انقلابی نام دارد بجان بخرند، طلایه داران راستین تاریخ و دوستان امین و صدیق مردم و مجاهدان واقعی اعتلاء و ترقی مین هستند.

آری، همه کس را تاب این پیکار جان آزار نیست. همه کس در تند پیچ این نبرد که گاه طی آن منظره دگرگون میشود، شکست ها و عقب نشینیهای پیش میآید، دشمن اسلوب نیرنگ را با اسلوب نور آومان میسازد، مشکلات و پرتوییهای درونی نهضت بالا میگیرد، طاقت آنرا ندارد که در سنگر رزم محکم بایستد، و خونسردی و استواری خود را حفظ کند و عمده و غیر عمده را در مسائل مغشوب نسازد و ستاره تابناک اندیشه انقلابی را همی از نظر فرو نگیرد. مردی صاحب عقیده و آرمان پرست بمعنی واقعی این کلمات باقی بماند. این نبردی است بس طولانی و فرساینده که گاه در پیچ و خم آن منظره آینده پدید نیست، افق تیره و سنگین است، نور امید بی رنگ میشود و تردیدها و پستی ها میدان باز میکند و بنظر میرسد که عرصه تاریخ دیگر عرصه بی رقیب جباران و تراجگران اجتماعی است. درست در این هنگام است که ایمان به شکست ناپذیری و غلبه نهایی حقیقت، عشق بی کاهش و بی انحراف به عدالت اجتماعی و فای بی خالی به خلق خود، باور استوار به تحول و ترقی تاریخ میتواند شخص را بر سر پای نگاه دارد. کم باوران، آنهایکه هرگز در اعماق روح خویش پیوند خود را با احساس بیهمی امتیاز طلبی و جستجوی زندگی شیرین و آسان و مقام بالا و عنوان پر طمطراق نگسته اند، آنهایکه هرگز بمق آموزش مارکسیسم - لنینیسم پی نبرده و واقعیت تاریخی تکامل سوسیالیسم و نهضت انقلابی را با همه مشکلات آن درنگ نکرده اند، در این شرایط دشوار تقاب زرنگار را از چهره بر میدارند و معلوم میشود نه آنست که بودند زیرا آنها این راه انقلاب را بر اساس حسابهای زود گذر اشتباهی و عوضی برگزیده اند و با مقاصد دیگری در این جاده قهرمانی و ایثار در این جاده پر افتخار انسانیت وارد شده اند. تقابلهای تزویر را سیر بی امان حوادث از چهره ها بر میکند و سستی ها، دو دلی ها، گمراهی های فکری، بی ایمانی ها، حسابگرها، پستی ها و سر انجام خیانت ها را آشکار میکند.

نهضت توده بیش از سی سال است در زیر ضربات سهمگین امپریالیسم و ارتجاع ایستادگی میکند ولی در این میانه رفیقان نیمه راه دم نبوده اند که نخواسته اند و یا نتوانسته اند در این مسیر پر فراز و نشیب، دشواریها را تا آخر خط تحمل کنند. رژیم و دستگاههای ابلهسی پلیسی آن توانستند بر روح و منطق متزلزل این افراد غلبه کنند و آنها را بسوی سرباهی «بهشت آریا» مهربی، بکشاند و این اشخاص که بخشی از زندگی خود را زمانی در جاده مبارزه کف زده اند در این معامله با ابلهسی سرانجام میبوند زیرا، با فروختن روح خود به ضحاکان زمانه، خود را نخواه نا خواه در صف به خائنان خلق در آورده اند.

منطق علیل این اشخاص پس از تسلیم و خیانت معمولاً چنین است که با پیش کشیدن تئانیس کارها یا افراد، که وجود آنها طبیعی و ناگزیر است میخواهند عمل خود را نه یك از تعداد و رویگردانی از انقلاب برای نیل بمنافع شخصی، بلکه یکنوع «جهاد اخلاقی» جاوه گر سازند. این ستمطه ها در خورد خنده است و تجربه نشان داده است که طی زمان قادر به کوچکترین تأثیری نیست. ادامه مبارزه در شرایط مهاجرت سیاسی که کسانی ممکن است آترا به آب خنک خورند، تعبیر کنند شکلی است از مبارزه انقلابی با همه بسیار گونگی و فراز و نشیب ها و دشواریهای آن. ادامه مبارزه در این شرایط، بویژه در این موقع که رژیم خشن استبدادی و پلیسی در کشور ما مسلط است، خدمتی است به نهضت، برای افشاء دسایس امپریالیسم و ارتجاع برای نشان دادن راه نبرد به توده ها، برای روشن نگاهداشتن چهره و اجاق نهضت. در اینجا نیز سست عهدان دو دل و پیمان شکنان بی باور بخلق، فرسوده و بی تاب از طول راه و دشواری های گوناگون آن، به لجن زار دشمن طبعانی میگریزند و مانند عنایت اله رضا، حسین جزئی عبدالرضا آخر، محمد زمان پهلوان و عناصر دیگری از این زمره با خفت در آستان شاه مستبد ایران، این ساخته دست امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی او، این دشمن شماره یك خلق زانو به زمین میزنند، سر اطاعت و چالپوسی فرود می آورند و سپس برای این نوع عمل که همیشه در تاریخ مورد لعنت و تفتیح عمومی بوده است، میکوشند تا بنا دشنام کوبنها و بهتان بیاورند و واژگون سازند و مهره بازی با فاکتهای واقعی یا موهوم، توجیه و تملیل بترانند. ولی از بد بختی این اشخاص هیچ تقلائی از این نوع قادر نیست واقعیت زشتی را که خیانت نام دارد بپوشاند. خیانت و پیمان شکنی حادثه امروزی نیست. علی رغم همه خیانتها و پیمان شکنی ها

دنباله از صفحه ۱

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

جمهوری دموکراتیک آلمان که بخش ناگسستی جامعه کشور های سوسیالیستی است، در اتحاد استوار با کشور اتحاد شوروی برای تحکیم صلح، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه میکند.

راهی که جمهوری دموکراتیک آلمان پیموده و تجارب و نتایجی که طی این راه بدست آورده است، با روشنی تمام نشان میدهد که چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی قطعی ترین معک وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترنا سیونالیسم پرولتریست، جمهوری دموکراتیک آلمان در تمام مراحل تکامل حیات پر افتخار خود به این راه وفادار بوده است.

ما با خرسندی تمام ناظر اعتبار بین المللی روز افزون و شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان از جنبه تمام ملل جهان هستیم. امروز اکثریت قریب بتمام کشور های جهان با جمهوری دموکراتیک آلمان روابط سیاسی برقرار کرده اند و این جمهوری بعنوان یك عضو برابر حقوق در سازمان ملل متحد شرکت دارد. جمهوری دموکراتیک آلمان، وفادار به پرچم انترناسیونالیسم پرولتری، از همان آغاز تأسیس خود پیوسته هوادار خلق هائی بوده است که در راه آزادی ملی، استقلال سیاسی و اقتصادی، علیه ارتجاع داخلی، امپریالیسم، استعمار کهنه و نو، علیه فاشیسم و نژاد پرستی مبارزه میکنند.

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان میخوانند امروز با سرفرازی تمام بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری خود را جشن بگیرند.

رفقای عزیز، در روز چهشته بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان کامیابهای هر چه بیشتر شما را در ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته، در پیکار به خاطر صلح، امنیت بین المللی و در راه پیروزی آرمان های انقلابی مشترکمان، صمیمانه آرزومندیم.

با درود سوسیالیستی - کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول - ایرج اسکندری

دنباله از صفحه ۱

غرفه مردم در جشن اومانیته

دکتر ارانی و روزبه در دو طرف آن، عکس تزیینی، معصوم زاده، رزمی و بالاخره عکس رفیق شهید ما حکمت جو در اطراف آن قرار داشت. در گوشه ای از دیوار طرحی الصاق شده بود که در آن خورشید از پس ابر های سیاه خود نمائی میکرد و بر روی آن نوشته شده بود که بخورشید آزادی، بر تیرگی پیروز خواهد شد!

در بخش دیگر از غرفه طرحی از تاج شاهی دیده میشد که دست توانایی مردم آنرا سرتنگور میکنند. نشریات فارسی حزب هم امسال بیش از سال های گذشته مورد استقبال ایرانیان قرار گرفت.

در گوشه ای از غرفه کار های دستی و هنری ایران قرار داشت که برای فرانسویان جالب بود. آدم های حزب همیزان زیادی در دسترس بازدید کنندگان بخصوص جوانان قرار گرفت.

در تمام دوران دو روزه جشن، وضع زندانیان سیاسی و ترور و اختناق از پشت بلندگو بگوش مردم رسانده شد و دهها هزار نفر بازدید کننده اطلاع بیشتری از وضع ایران پیدا کردند. ۵۰۰۰ نفر زیر نامه اعتراضیه را امضاء نمودند و همین پیکره بخوبی نشان میدهد که تا چه اندازه کار سیاسی غرفه مردم امربخش بوده است.

کاروان پر مهابت انقلاب خلق بر مشکلات غلبه کردم، راه خود را بهتر شناخته و به پیش رفته و سلطنت هائی مستبد و رژیمهای ضد ملی و ضد دموکراتیک را از سر راه رفته و تسلیم شدگان به این رژیمها و چاکران نو و کهن آنرا به میزبله ریخته است. جنبش با این نوع تصفیه ها تضعیف نمیشود بلکه نیروی منوی بیشتری کسب میکند. افتخار بر کسانی که منطق انقلابی را در آشفته ترین شرایط و روح پایداری را در دشوار ترین لحظات حفظ میکنند و به آرمان خلق تا آخرین دم وفا دارند.

دنباله از صفحه ۱

واقعیات، دعاوی شاه و تبلیغات

نشانه های طبقاتی شدن را در خود می پروراند و... طبقه بندی از نظر درآمد باعث بوجو سه منطقه در تهران شده است. از شمال بجنوب تقسیم بندی شامل منطقه اول، درآمد زیاد، ته بالا و روابط اجتماعی گسترده، منطقه دوم، متوسط، با تحصیلات متوسط، روابط اجتماع گسترده، منطقه سوم، درآمد کم، تحصیلات متوسط، روابط اجتماعی کم دیده میشود. این طبقه برزبان طبقه کم درآمد و در جهت دوام حالت تهران است. بگنیزیم از اینکه در گزارش سلعح بالای تحصیلات، ویژه خانواده های ا نشان داده شده است، در حالیکه اکثریت بیسوادانی بیش نیستند، پایین وجود از گزارش میتوان دریافت که بر خلاف دعوی شاه در بار امتیازات طبقاتی، اختلاف طبقاتی در جامعه ما بوضوح و بجهت فزونی نمیکرد و خانواده های مستمند و کم یکنه فقر خود، روز بروز بیشتر بجنوب شهر که فاقد همه وسائل رفاه است و از نظر توزیع خ یعنی خانه بهداشتی و مدرسه و کودکان و بیمه در وضع بسیار نا مطلوبی قرار دارد، رانده می اینها در خانه هائی زندگی میکنند که بنا بک گروه ۷۵ درصد آن يك اطلاع است و در هر از این محله های کیف ۵۰۰ تا ۲۰۰ نفر زن و کودک در هم مینویند. اما در واحد های شمال شهر اقلیت مرته و ممتاز و در رأس آنها سلطنتی، در باغهای افسانه ای خود، فصل به جاییا میشوند، تابستان را در ویلاهای مجلل کنار خزر و از آنهم فراتر در ویلاهای شخصی خود در سوئیس و اسپانیا و کالیفرنیا بسر میبرند و غس یکسال غارت و چپاول دسترنج مردم را از این میسر زنده و تازه نفس برای ادامه غارتگری باز می این منظره زشت و موحش، این دو قطه و ثروت از آن پایتخت است و فراتر از آن هر چه دورتر روم منظره زشت تر و موحش تر و طبقاتی فاحش تر، آن دهقان زحمتکش روستاهای افتاده حتی همین در آمد مالهانه سیصد تومانی ندارد و در کلیه گلیاش با زن و بچه و مرغ و خ و گوسفند یکجا سر به بالین میکند. نه آشنایندنی سارد و نه دارو و بیمارستان و ایر کشور ملست که سالانه ۲۲ میلیارد دلار درآمد دارد، ولی از این ثروت و غنای هنگفت زحمت کشور را سهمی نیست زیرا حصه آنها را، انقلاب، در راه حفظ سلطنت نکبتبار خود، یا میخورد و یا بامپریالیسم وام میدهد و آنچه باقی بظهور عمده صرف تحمل زندگی دربار او و هزار غارتگر میشود. اما این وضع قابل دوام نیست.

زحمتکش مین ما در برابر این بیعدالیهای فاحش فرو نخواهند بست و لعاب تبلیغات دروغین رژیم را نخواهد فریقت. مبارزه مردم علیه جباران و ستم بدون تردید روزی به ثمر خواهد نشست و شهید یبند و پاریهای امروز را در کاشان زهر خواهد کرد.

نصرت اله جهانشاهلو بمناسبت تسلیم بد از حزب توده ایران اخراج میشود.

عبدالرضا آذر بمناسبت تسلیم بدشمن و خ به حزب توده ایران و جنبش دموکراتیک مردم از حزب توده ایران اخراج میشود.

عبدالرضا آذر بمناسبت تسلیم بدشمن و خ به حزب توده ایران و جنبش دموکراتیک مردم از حزب توده ایران اخراج میشود.

عبدالرضا آذر بمناسبت تسلیم بدشمن و خ به حزب توده ایران و جنبش دموکراتیک مردم از حزب توده ایران اخراج میشود.

عبدالرضا آذر بمناسبت تسلیم بدشمن و خ به حزب توده ایران و جنبش دموکراتیک مردم از حزب توده ایران اخراج میشود.